

موضوع علم مردم شناسی

شبی در گوشه تنهایی بفکر فرو رفته بودم و یاد از ایام گذشته می کردم صدای در شنیده شد و نامی از آقای علی هانیبال برده شد. چیزی که اصلا خاطره ای از آن برای من باقی نمانده بود اسم دوستی بود که بیست سال پیش عضو انجمنی بنام مردم شناسی بودیم و در این مدت نام و نشانی از آن دوست در خاطر من باقی نمانده بود. زیرا هیچ موقعی حتی در گذر گاه و مجلسی بدست نیامده بود که دیداری صورت گیرد و خاطرات گذشته تجدید شود. این اسم مانند رؤیائی آن مظهر ذوق و سلیقه و فعالیت را بچشم جلوه گر ساخت. بیدرنگ برای تجسم خاطرات گذشته خود با استقبال شتافتم. بلی درست خود او یعنی آقای علی هانیبال بود که برای اولین دفعه یکی از دوستان مرحوم سر لشکر ریاضی باینجانب معرفی نموده بود و پس از بیست سال دیداری تازه گردید و آنشب این پیش آمد مرا غرق شادی ساخت.

در سال ۱۳۱۶ بامر شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر کمیسیونی بریاست مرحوم فروغی و دکتر غنی - ورشید یاسمی و جنابان آقای دکتر شفق و خواجه نوری و سعید نفیسی و آقای هانیبال و اینجانب تشکیل و این کمیسیون مأموریت داشت که طرحی بنام مؤسسه مردم شناسی ریخته شود و پروژه ای بسا سائلیکه آنروز مقدور بود تأسیس شد.

متأسفانه پس از چندی دیگر جلسه کمیسیون تشکیل نشد و اینجانب هم از آن بیعد بسراغ موزه و مردمش نرفتم. آقای هانیبال در ضمن بیان از گذشته این کمیسیون و خاطرات آن از جدیت و کوشش و خدماتیکه پس از آن زمان برای حفاظت موزه و حتی زمین اهدائی آنجا شده بود شرح مبسوطی دادند که باعث شگفتی و تحسین گردید و بعد مرده ای داده شد که از هر حیث باعث مسرت و امیدواری گردید و آن جلب توجه جناب آقای پهلبد باین مؤسسه بود که از قرار معلوم قرار است دومرتبه در تحت نظر ایشان کمیسیونی برای این منظور تشکیل گردد و همه میدانند

که جناب آقای پهلبد که از شخصیت‌های بی نظیر این کشور می باشند تا بحال زحمات و خدمات بیشماری برای تجدید هنر های زیبای این کشور تحمل فرموده اند که شایان تقدیر است . البته این مطلب واضح و روشن است که قدرت و عظمت کشورها بیشتر مدیون تشکیل مؤسسات علمی و هنری و دانشگاهها و آزمایشگاههای آن مملکت است . خوشبختانه مؤسسات بیشماری در تحت رهبری و توجهات اعلیحضرت همایونی فعلا دایر و انجام وظیفه مینمایند . امیدوار است که بر تعداد این دستگاههای علمی که علامت رشد و نمو مردم این کشور محسوب میشود افزایش یابد تا ما هم از قافله تمدن عقب نمانیم و با آنها پیش برویم .

چون آقای هانیبال از اینجانب تقاضا فرمودند که بطور اختصار مطالبی راجع بانسان اولیه بعرض برسانم پس از عرض این مقدمه از خاطرات آن شب اکنون باصل موضوع می پردازیم .

کره زمین که اکنون در آن سکونت داریم و از نعمتهای بیکران آن برخوردار میباشیم از بدو آفرینش دچار انقلابات گوناگون و تحولات عظیمی گردیده است . ابتدا همین زمین خود خورشید کوچکی بوده که حرکت بسیار سریعی داشته و بدور خود و خورشید میگردیده است . بطوریکه طول سالها به ۳۶۵ روز نمیرسیده و در گردش بدور خود ختی بعد از سرد شدن هم شبانه روز باین بلندی یعنی ۲۴ ساعت نبوده است .

در سطح زمین هم تغییرات مؤثری بوجود آمده تا موقعیکه حرارت زمین امکان ترکیب بخار آب را از هیدرژن و اکسیژن هوا بعمل آورده مدتها بواسطه گرمای سطح زمین بخار آب در هوا معلق بوده بمرور قشر زمین ضخیم تر و حرارت زمین کمتر شده است .

بارانهای سیل آسا و شستشو های عظیمی پیوسته در سطح زمین ایجاد گشته است . آبها گودالهای زمین را پر کرده و بالا آمدن و پائین رفتن کف دریا ها ایجاد خشکی ها یا از بین رفتن قسمتی از آنها گردیده و شکل جغرافیائی قاره ها را چندین بار تغییر داده است .

موجودات اولیه بصورت بسیار پست بعد از میلیونها سال بدرجه عالی و بطوریکه در سطح زمین فعلا مشاهده میشود پدید آمده است .

ابتدا نباتات بصورت خزه و بعد ها گیاههای عالی نیز بوجود آمده است و نیز حیوانات هم از جنس سخت پوستان و بعدها بصورت کامل تری بظهور رسیده است . فشار های داخلی زمین ایجاد کوه ها و برآمدگیهای سطح زمین راداده است و شکست های پی در پی موجب آتش فشانیهای زیادی گشته است .

پوسته نازکی که با سم قشر زمین نامیده میشود از ۷۰ الی ۸۵ کیلو متر بیشتر نیست و این قشر نسبت بمرکز زمین که ۶۳۰۰ کیلو متر میباشد بسیار ناچیز و همین موضوع سبب شکست و بهم خوردگی دائمی پوسته زمین است که بهیچوجه پیش بینی برای آن متصور نیست در واقع زمین مانند یک آزمایشگاه فیزیک و شیمی است که با جزئی بالا و پائین آمدن حرارت موجب تغییرات و فعل و انفعالات بسیاری میباشد چه اگر اندکی گاز کربنیک یا آزت هوا پیش از آنکه فعلا در هوا موجود است پیدا شود زندهای باقی نخواهد ماند .

چندین میلیون سال پیش حیوانی که از حیث قرابت خون با انسان امروزه یکی بوده یا بعرضه وجود گذارده و این موجود در ابتدای امر بسیار ناتوان و شاید یکی از ضعیف ترین مخلوق آن دوره بشمار میرفته و برای کسب روزی جز اندیشه و فکر سلاح دیگر نداشته . مثلا برای دفاع از خود متوسل به سنگ و چوب میشده و برای بدست آوردن لقمه ای باز بهمان سنگ و چوب متوسل میشده تا شکار و صیدی بچنگ آورد و بعدها از گازهای مشتعل در سطح زمین و آتش کوههای آتش فشان عبرت گرفته و آنها را مورد استفاده خود قرار داده است .

اوضاع اقلیمی دنیا يك نواخت نبوده زمانی بسیار گرم و مرطوب و گاهی بسیار سرد بطوریکه مردمان دوره یخ بندان تنها پناهگاهشان همان دخمه ها و سوراخ ها و غارهای طبیعی بوده و هنوز آثار و نموداری از وضع مردمان آن دوره بصورت سند تاریخی در دل غارها بطور باد بود آن عصر باقی مانده است .

اختلافاتی که از نظر نژادی و عادات و رسوم امروز در سطح زمین مشاهده میشود

مثلا در مقابل ملل متمدن دنیا بومیهای آمازون و اوقیانوسیه و آد مخواران افریقا مرکزی موجود است در هر دوره و عصری این اختلافات بچشم بر میخورده است و این مختصر از بحث و بیان این مقال خارج است .

تردید و شک نیست که انسان امروزه وارث معتقدات و تجربیات گذشتگان و پیشینیان خود میباشد ولی این موضوع را نمیتوان انکار کرد که قوای معنوی انسان طوری است که در طول زمان همین انسان را بکمال مطلوب هدایت و نزدیک میسازد و در مشاهدات خلقت دقیق و بصیر میگردد و از تحقیقات خود تجربیاتی حاصل میکند که از آن نتایج بسیاری اندوخته مینماید .

از کوچک ترین ذره تا سیارات و کواکب و سحابی های بزرگ آسمانی همراهمورد بررسی و تحقیق و تجسس خود قرار میدهد و بمرور دایره موهومات و خرافات را که میراث جهل پدران خود میباشد تنگ تر میسازد و حقیقت را در همان ذره ناچیز تا کهکشانهای عظیم یعنی راهیکه بسوی پروردگار و خدای لایزال کشانده میشود ببرد و بچشم دل راستی آنرا درک مینماید و از آن همه معانی درس عبرت میگیرد .
تاریخچه این تحولات و شناسائی بگذشته انسان و بسیاری مسائل دیگر که بعداً شرح آن بمیان خواهد آمد موضوع علم مردم شناسی میباشد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مسعود کیهان
استاد دانشگاه تهران

زنگنه
پژوهشگاه علوم انسانی